

لیلا کوچک زاده - ساعت ۱۱ شب که بگذرد، با خاموش شدن چراغ‌های مطب‌ها و آزمایشگاه‌ها در خیابان پرستار، عارف و محت می‌شود. پلاستیک‌های سیاه عفونی و بوی ناک مطب پزشکان که اینجایا به شهری آلوده شبیه کرده است. زیر پوست احمدآباد مسمومیت آن را با حمل زباله‌های پزشکی به خارج از شهر تا صبح رفع می‌کنند و دوباره صبحی تازه برای مردمی که به امید در می‌شود. پزشکان شهر هر روز و هر روز بر تعداد وسایل پیشرفته علمی خود می‌افزایند تا درد مردم را زودتر و آسان‌تر درمان کنند متولی بهداشت و سلامت جامعه هستند. اما برخی از آن‌ها فراموش کرده‌اند توجه به نحوه درست امحای زباله‌های پزشکی و صرف هزینه برای این موضوع، خودنقش مهمی در پیشگیری از بیماری‌ها و حفظ محیط زیست شهر دارد.

پسماندهای ویژه واحدهای پزشکی سلامت

سرنگ‌های آلوده زیرپ



در محدوده احمدآباد

ما زباله عفونی نداریم و از چیزی که شما

می‌گویید خبر نداریم

بانیروهای زحمت کش اداره خدمات شهری شهرداری منطقه یک همراه می‌شویم و در حدود ساعت ۱۱ شب به محدوده خیابان پرستار می‌رویم. درست زمان گذاشتن زباله مطب‌ها و آزمایشگاه‌ها در پیاده‌رو. نیروهای خدمات شهری به خوبی می‌دانند کدام آزمایشگاه‌ها و مطب‌ها زباله‌های عفونی ایجاد می‌کنند و آن‌ها را بیرون می‌گذارند. آقای صدیقی یکی از نیروهای اداره خدمات شهری می‌گوید که به تازگی در دست یکی از همکارانش هنگام جمع آوری زباله‌ها، سرسوزن فروخته است و از شدت نگرانی هنوز آزمایش ن داده است. گرچه به گفته او این اتفاق بارها و بارها برای نیروهای شهرداری روی داده است. بنا به درخواست ما دو کیسه زباله مشکلی را باز می‌کنند و روی آسفالت کوجه می‌ریزند. در کمال تعجب مشاهده می‌کنیم که داخل زباله‌ها پر شده است از باند، پنبه‌های خونی، سرنگ، ماسک، دستکش، ظروف ادرار، لوله‌های پلاستیکی از آمایش، بطری‌های پلاستیکی و... برای ما عجیب‌تر و شاید وحشتناک‌تر از همه، دیدن سرنگ‌هایی بزرگ است که سرسوزن از آن جدا نشده است و به راحتی از کیسه نازک زباله می‌گذرد و در دست یا فرو می‌رود. آقای صدیقی هم اشاره می‌کند، عکس‌هایی از سرنگ‌هایی دارد که خون هم در لوله سرنگ باقی مانده است. نگهبانان مطب‌ها و آزمایشگاه‌ها با تردید به مانگه می‌کنند و وقتی می‌بینند در حال گرفتن عکس و فیلم از زباله‌ها هستیم، از گذاشتن زباله‌های شان خودداری می‌کنند. در صورتی که آقای صدیقی می‌گوید این حجم زباله در ساعت ۱۲ شب چندین برابر می‌شود.

کمی در کوجه پرستار پیش می‌رویم و با پزشکی که در خودروی خود نشسته و آماده حرکت است، مواجه می‌شویم. فرصت را غنیمت می‌شمایم و با او وارد گفتگو می‌شویم. متخصص اورولوژی است و مدعی که سرسوزن‌های آلوده خود را که به دلیل شغلش تعدادشان کم است، در ظرف مخصوص نگهداری زباله‌های عفونی یعنی سیفتی باکس می‌گذارد و بعد از پر شدن به بیمارستان تحویل می‌دهد. گاز و دستکش را هم داخل پلاستیک گذاشته و آن را هم به بیمارستان تحویل می‌دهند.

او چیزی درباره قرارداد سازمان مپ با سازمان نظام پزشکی درباره جمع آوری زباله‌های عفونی از پزشکان نمی‌داند.

این پزشک متخصص، نگهبان قدیمی یکی از ساختمان‌های پزشکان را صدا می‌زند و از او درباره این موضوع که آیا نیروهای خدمات شهری به شکلی ویژه زباله‌های عفونی این محدوده را جمع آوری می‌کنند، می‌پرسد و او نیز اظهار بی‌اطلاعی می‌کند.

در این جا آقای صدیقی وارد صحبت می‌شود و می‌گوید که ما به تمام پزشکان برای ریختن زباله‌های عفونی چندین بار اخطار داده ایم و آن‌ها را به بستن قرارداد با شهرداری ملزم کرده ایم.

پزشک اورولوژی نیز می‌گوید که با وجود سه سال حضور در این محدوده، چیزی در این زمینه دریافت نکرده است.

در پایان نیز با صراحت می‌گوید که ما نه زباله عفونی داریم و نه از چیزی که شما می‌گویید خبر داریم.

یکی از نگهبانان دیگر ساختمان پزشکان نیز می‌گوید که زمانی خودرویی برای جمع آوری زباله‌های عفونی می‌آمده است و الان مدت‌هاست که این اتفاق روی نمی‌دهد.